

متن پرسش

با سلام. نمی دانم از کتب یا کلاسهای موفقیت اطلاع دارید یا خیر. اصل کلیدی همه آنها بر روی موجودیتیست به نام "ضمیر ناخودآگاه". صحبت آنها اینست که ما دو ذهن در اختیار داریم: یکی خودآگاه که تدبیر روزمره ما را بطور ارادی در اختیار دارد و یکی ناخودآگاه که علاوه بر آنکه تدبیر مسائلی مانند ضربان قلب و ... را در اختیار دارد باعث جذب ثروت، معنویت، شکست، پیروزی یا هر آن چیزی که در آن به مرور زمان نهادینه شده را دارد. می گویند آن یک کودک قدرتمند است که در اثر تکرار و تلقین (حال چه به صورت ارادی و تکنیک های خاص و یا چه بصورت غیرارادی در طول زمان) آن چیزی را که در آن پروگرام کرده باشید برای شما از کائنات به ارمغان می آورند. (جذب می کند) ۱- بنده صداهای معرفت نفس را گوش دادم. برداشت بنده آنست که آن چیزی که در اینجا به عنوان ضمیر ناخودآگاه از آن یاد می شود، شما به عنوان نفس از آن یاد می کنید. آیا این برداشت بنده صحیح است؟ (البته می دانم که اینها فقط یکی از ۱۰۰ وجه نفس را معرفی می کنند) و در صورت مثبت بودن آیا مواردی که آنها در مورد ضمیر ناخودآگاه یا نفس می گویند صحیح است؟ ۲- کلا احساس می کنم دست به دامن نفس یا ضمیر ناخودآگاه شدن برای بدست آوردن حوائج دنیوی و یا حتی معنوی نوعی شرکت به حساب می آید. از طرفی احساس می کنم خب این مورد یکی از قابلیت های نفس بنده است که اگر مثلا می خواهم به خواسته یا هدفی برسم با تلقین به آن بتوانم بهتر و آسانتر به آن برسم. چرا از این نعمت خدادادی استفاده نکنم؟ آیا این وسوسه فریب شیطان است؟ یا اینکه ایرادی ندارد در کنار دعا و بقیه عبادات از تلقین به نفس هم برای حوائج دنیوی استفاده کنم؟ ۳- در صورت درگیر کردن و متمرکز کردن نفس (یا ضمیر ناخودآگاه) بر روی هدف یا خواسته ای دنیوی روح بنده دچار مشکل نخواهد شد؟ ۴- ردپای ابلیس را در این علوم موفقیت که چند سالیست به شدت مد شده احساس می کنم. از طرفی وقتی با دیگران در مورد گفتگو می کنم، نمی دانم از چی شروع کنم و چطور با آنها در این باب گفتگو کنم. نا گفته نماند که عده ای از اساتید داخلی افراد بسیار متشرعی هستند و در کلاسهای موفقیتشان اکثرا آموزش بندگی است همراه با آیات و روایات ولی خب موارد مربوط به ضمیر ناخودآگاه را هم به عنوان یک مبحث اصلی تدریس می کنند. ممنون می شوم راهنمایی مبسوطی به بنده بفرمایید تا به خواست خدا هم خود راهنمایی شوم و هم بتوانم دیگران را آگاه سازم.

متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی بنده تا آنجایی که اطلاع دارم این مکاتب رجوعشان به قوهی واهمه‌ی انسان است و نه به فطرت. و آنچه در معرفت نفس مورد توجه است غیر از آن چیزی است که این مکاتب تحت عنوان ضمیر ناخودآگاه مطرح می‌کنند، باید به خداوند رجوع کرد تا با بیداری فطرت عهد الهی ما به میان آید نه این‌که اندیشه‌ی خود را بر چیزهایی متمرکز کنیم که خیالی بیش نیست و به اندازه‌ی خیال هم پایدار است و لذا چند روزی بر آن تلقینات خیالی باقی می‌مانیم و باز به اول برمی‌گردیم. ولی اگر به خدا رجوع کنیم به واقعی‌ترین و کامل‌ترین حقیقت رجوع کرده‌ایم و در بهره‌هایی که در اثر رجوع الی‌الله نصیبمان می‌شود دنیا و آخرت خود را آباد کنیم. پیشنهاد می‌کنم کتاب «معاد؛ بازگشت به جدی‌ترین زندگی» را مطالعه فرمایید تا معلوم شود این مکاتب چه اندازه از قافله عقب هستند. موفق باشید